

# بیع متقابل باید به بخش‌های صنعت و معدن تسری یابد

نشاره:

رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه صنعت و معدن از عوامل دست‌یابی به توسعه پایدار اقتصادی، رشد صادرات غیرنفتی و کاهش اتکاد به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و ایجاد فرصت‌های اشتغال (مبارزه با بیکاری) و لغت فشارهای تورمی است.

در شرایط کنونی که درآمدهای نفتی کشور به حدود یک‌دوم درآمدهای تحصیل‌شده در سال ۱۳۷۵ نازل یافته و منابع سرمایه‌گذاری داخلی برای شکوفایی سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا و جهش صادرات غیرنفتی کافی نیست، تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری با بهره‌گیری از منابع خارجی به عنوان یک راه اساسی مطرح است.

با این وجود، طرفداران برنامه‌های اقتصادی کشور به راه‌های تأمین منابع مالی به ویژه قراردادهای بیع متقابل کمتر توجه دارند و تقریباً استفاده از این شیوه تأمین مالی به اجزای طرح‌های نفت و گاز اختصاص یافته است، در حالی که می‌توان از این شیوه برای اجزای طرح‌های صنعتی و معدنی صادرات‌گرا به خوبی بهره برد.

در این گزارش به بحث پیرامون قراردادهای بیع متقابل و سرمایه‌گذاری خارجی در طرح‌های صنعتی و معدنی می‌پردازیم.

## قراردادهای بیع متقابل چه مزایایی دارد؟

به عقیده کارشناسان اقتصادی، قراردادهای بیع متقابل یک شیوه سرمایه‌گذاری داخلی با امکان تأمین منابع مالی از خارج می‌باشد.

آنها عقیده دارند که تأمین مالی طرح‌های اقتصادی با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی غالباً به سه صورت قراردادهای امتیازی، مشارکت در تولید و قراردادهای مشارکت «جوینت ونچر» صورت می‌گیرد.

برای مثال در قراردادهای امتیازی که معمولاً برای اکتشاف و استخراج منابع

معدنی منعقد می‌شود، کشور میزبان سرمایه‌گذاران خارجی در قبال دریافت وجهی امتیاز اکتشاف و بهره‌برداری از معدن را برای همیشه در یک محدوده جغرافیایی تعریف شده در قرارداد، به سرمایه‌گذار خارجی واگذار می‌کند. در این صورت جز هواید اولیه از واگذاری حق امتیاز منطقه تعریف شده، فقط درصدی از مالیات بر درآمد شرکت سرمایه‌گذار نصیب کشور میزبان می‌گردد.

در قراردادهای مشارکت در تولید و نیز قراردادهای جوینت ونچر، کشور میزبان بخشی از منابع سرمایه‌گذاری را

نیز تأمین می‌کند و در مرحله بهره‌برداری از منابع متناسب با سهم سرمایه‌گذاری خود، از تولید هوایدی دارد و در ضمن از مالیات بر درآمد شرکت سرمایه‌گذار خارجی نیز به‌طور سالانه بهره‌مند می‌شود. در این نوع قراردادها نیز سرمایه‌گذار خارجی متناسب با سهم سرمایه‌گذاری خود در قرارداد، از مالکیت ذخیره منابع معدنی تا پایان دوره استخراج منابع بهره‌مند می‌شود.

بر اساس قوانین جاری در ایران، استفاده از این نوع قراردادها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در معادن بزرگ کشور (مانند نفت و گاز) ممنوع

است.

راه دیگر تأمین منابع طرح‌های سرمایه‌گذاری، استفاده از سرمایه‌گذاری داخلی است. این سرمایه‌گذاری‌ها به سه شیوه نقدی، تأمین مالی (فاینانس) و بیع متقابل قابل اجرا است.

در سرمایه‌گذاری داخلی به شیوه نقدی، تمام منابع مالی موردنیاز برای سرمایه‌گذاری با استفاده از وجوه نقدی سرمایه (اعم از بخش دولتی یا خصوصی) تأمین می‌گردد. در صورت بهره‌مندی از منابع مالی کافی، این شیوه بهترین راه تأمین مالی اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری است. در حال حاضر وضعیت اقتصادی کشور اجازه بهره‌مندی کامل از سرمایه‌گذاری نقدی برای اجرای تمامی طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای اولویت برای اقتصاد ملی را نمی‌دهد. حتی اگر این منابع کافی نیز بود، استفاده از دیگر منابع تأمین مالی برای دستیابی رشد سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار اقتصادی (نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر) از سوی کارشناسان اقتصادی توصیه می‌شود.

در قراردادهای تأمین مالی به صورت فاینانس، منابع موردنیاز طرح‌های سرمایه‌گذاری از خارج به ویژه بانک‌های اعتباردهنده خارجی تأمین می‌شود و بازپرداخت تعهدات به صورت اقساط و بهره بدهی در دوره زمانی مشخص انجام می‌شود. تاکنون در تأمین منابع سرمایه‌گذاری از خارج از این شیوه به‌طور گسترده استفاده شده است. انباشت تعهدات خارجی کشور در سال‌های پایانی اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور، نتیجه بهره‌گیری از این شیوه تأمین مالی بود. البته در این دوره زمانی ابتدا منابع موردنیاز اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌صورت یوزانس (اعتبارات کوتاه‌مدت) تأمین شد و سپس در دوره انباشت

بدهی‌های خارجی، مذاکرات برای زمان‌بندی تعهدات خارجی با بستنکاران خارجی انجام شد و در واقع اعتبارات یوزانس به فاینانس‌های میان‌مدت تغییر یافت و تعهدات خارجی قسط‌بندی جدید با دوره بازپرداخت طولانی‌تر شد.

مشکل عمده استفاده از طرح‌های فاینانس، بازپرداخت تعهدات (اقساط بهره بدهی‌ها) می‌باشد که معمولاً می‌بایست از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی تضمین پرداخت آن صورت بگیرد. با این وجود محدودیت حاکم بر این شیوه آن است که منابع اعتباردهنده خارجی به هر مقدار که درخواست مشتریان یا متقاضیان وام باشد، اعتبار در اختیار آنها قرار نمی‌دهد و در واقع بانک‌های خارجی امکانات درآمد ارزی کشور و نیز سطح تعهدات خارجی را در نظر می‌گیرند و سپس درباره اعطای اعتبارات جدید تصمیم می‌گیرند. در این شیوه فشارهای سیاسی نیز کمابیش وجود دارد که می‌تواند دریافت اعتبارات را محدود کند و یا بازپرداخت بخش‌های مختلف اعتبارات مصوب را با تأخیر مواجه سازد. در این شرایط اجرای تمامی طرح‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی با اتکاء به طرح‌های تأمین مالی مدت‌دار (فاینانس) میسر نیست.

با این حال مجلس شورای اسلامی در تصویب قانون بودجه سال ۷۸ در بخش ۳ ذیل بند «ل» تبصره ۲۹ شرکت ملی نفت ایران را موظف کرد برای توسعه میدان‌های پارس جنوبی و سلمان تا سقف تولید اضافی ۱۴۰ میلیون متر مکعب گاز در روز و ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز، از طریق بیع متقابل یا فاینانس اقدام کند. بر اساس این بند، بازپرداخت سرمایه‌گذاری مزبور از کل تولیدات اضافی همان طرح‌ها خواهد بود. مجلس همچنین در بخش ۴ ذیل بند «ل» این تبصره به شرکت ملی نفت ایران

اجازه داد از مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت از طریق انعقاد قراردادهای مالی بلندمدت و میان‌مدت فاینانس از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

در بخش ۵ ذیل بند «ل» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۷۸ تصریح شد که برای طرح‌های پتروشیمی، توسعه معادن و صنایع مس، تولید فروآلیاژها و فلزات آهنی و غیرآهنی و طرح‌های بخش صنعت غیردولتی موضوع جداول ۴ و ۵ قانون بودجه، مبلغ ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار شامل یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای طرح‌های پتروشیمی از طریق انعقاد قراردادهای مالی بلندمدت و میان‌مدت (فاینانس) تأمین شود و تا ۲۰ درصد از منافع موضوع این جزء در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

به موجب این بخش، وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند در صورت لزوم نسبت به تضمین بازپرداخت طرح‌های موضوع این جزء اقدام کند و نظام بانکی مجاز به ایجاد تعهد برای تسهیل اجرایی این طرح‌ها می‌باشد.

مجلس شورای اسلامی همچنین با تصویب بخش ۶ ذیل بند «ل» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۷۸ موافقت کرد که دولت در سال جاری مبلغ یک میلیارد دلار برای اجرای طرح‌های احداث راه و راه‌آهن، سیلو، ماهواره و توسعه تلفن و تولید تجهیزات مخابراتی، کشاورزی، آبرسانی و فاضلاب، احداث و تکمیل طرح‌های تأمین آب و شبکه‌های آبیاری و زهکشی، با اولویت طرح‌های زیربخش کشاورزی از طریق انعقاد قراردادهای تأمین مالی بلندمدت و میان‌مدت (فاینانس) در چارچوب مقررات موضوع بند «م» تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم توسعه استفاده کند.

به موجب ردیف الحاقی به بخش ۶ ذیل بند «ل»، به بانک کشاورزی نیز

اجازه داده شد که به منظور تولید طرح‌های بخش کشاورزی مبلغ یک میلیارد دلار از بانک‌ها و مؤسسات خارجی اعتبار فاینانس میان و بلندمدت دریافت و هزینه کند.

به این ترتیب حجم عظیمی از منابع تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری در سال جاری در بخش‌های نفت و گاز، پتروشیمی، صنعت و معدن و کشاورزی با استفاده از روش تأمین مالی میان و بلندمدت فاینانس صورت می‌گیرد. در این طرح‌ها بازپرداخت از طریق درآمدهای آتی طرح‌های سرمایه‌گذاری مدنظر نیست و بر حجم تعهدات خارجی می‌افزاید. هر چند که این تعهدات باید در میان‌مدت یا بلندمدت بازپرداخت شود و مشکل انباشت تعهدات خارجی را کمایش به دنبال نخواهد داشت.

اما شیوه سوم سرمایه‌گذاری داخلی با استفاده از منابع مالی خارجی، روش بیع متقابل است که از مزیت‌های درخور توجهی برخوردار است. البته ذکر این نکته ضروری است که در هر سه شیوه نقدی، فاینانس و بیع متقابل، طرف خارجی تأمین‌کننده منابع هیچ حق و حقوق مالکیتی در ذخایر معدنی یا واحدهای تولیدی راه‌اندازی شده ندارد و فقط می‌تواند وجوه سرمایه‌گذاری و سود سرمایه‌گذاری خود را دریافت نماید. خواه این سرمایه‌گذاری به صورت پرداخت اعتبارات میان‌مدت و بلندمدت یا در قراردادهای بیع متقابل باشد.

کسارشناسان در بحث مزایای قراردادهای بیع متقابل به این موارد اشاره می‌کنند:

- اعمال حاکمیت و مالکیت کامل بر ذخایر معدنی
- نفی هر گونه سرمایه‌گذاری، مالکیت و مشارکت خارجی در مخزن یا ذخیره معدنی
- اختیار کامل کشور بر مالکیت

کامل تولید

- کنترل کشور بر عملیات

بهره‌برداری

- کنترل کشور بر بازاریابی و فروش

محصولات

از سوی دیگر با توجه به این مقوله که در طرح‌های تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت (فاینانس)، شرکت خارجی تأمین‌کننده اعتبار خواستار تضمین دولتی (Collateral) هستند و حتماً باید اعتبار اسنادی بگذاریم، زیرا طرف خارجی «بانک» می‌باشد، می‌توان در هزینه‌های بانکی صرفه‌جویی کرد. اما میزان بهره‌گیری از این شیوه با محدودیت‌هایی (اقتصادی - سیاسی) نیز مواجه است.

اما در قراردادهای بیع متقابل از یک سو تضمین دولتی و گشایش اعتبار اسنادی مطرح نیست، زیرا سرمایه‌گذار خارجی به عنوان پیمانکار طرح مسؤولیت تأمین مالی را به‌عهده دارد. لذا این مزیتی آشکار در طرح‌های بیع متقابل نسبت به طرح‌های تأمین مالی میان و بلندمدت (فاینانس) می‌باشد. در همین حال بازپرداخت وجوه سرمایه‌گذاری و سود سرمایه‌گذاری پیمانکار خارجی در طرح‌های بیع متقابل از محل فروش تولیدات طرح در مرحله راه‌اندازی صورت می‌گیرد و مشکل انباشت یا افزایش تعهدات خارجی را دربر ندارد.

### اصول و روابط حاکم بر قراردادهای بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل که تاکنون در طرح‌های نفت و گاز به اجرا درآمده است، اصول و روابط خاصی را حاکم می‌کند. از یک سو، طرف خارجی به عنوان پیمانکار و طرف ایرانی به عنوان کارفرمای طرح مطرح می‌شود. لذا این نوع قراردادها بر خلاف تصور عمومی که جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، اصولاً سرمایه‌گذاری داخلی با استفاده از

منابع خارجی است که پیمانکار موظف به تأمین آن می‌باشد.

در قراردادهای بیع متقابل پیمانکار (شرکت خارجی) مسؤولیت تأمین مالی منابع موردنیاز سرمایه‌گذاری طرح به‌طور کامل، مسؤولیت اجرایی و مهندسی طرح، مسؤولیت سفارشات و ساخت و نصب، تصویب‌خواهی از طریق کمیته مشترک مدیریت، فن‌آوری، آموزش نیروی انسانی، راه‌اندازی و تحویل طرح را به‌عهده دارد.

به عبارتی پس از راه‌اندازی طرح، شرکت خارجی موظف است بلافاصله طرح را در اختیار طرف ایرانی قرارداد بگذارد. قراردادهای بیع متقابل به گونه‌ای طراحی می‌شود که طرف خارجی باید اجرای طرح را با بهره‌گیری از استانداردهای شناخته شده بین‌المللی و فن‌آوری روز (تکنولوژی آدونس) انجام دهد.

در مقابل طرف ایرانی در قرارداد بیع متقابل که کارفرمای طرح می‌باشد، تصویب برنامه‌ها و بودجه‌ها، تصویب مناقصه‌ها (کنترل هزینه‌ها)، نظارت‌های مالی و فنی (به‌طور منظم و موردی) و مسؤولیت کامل عملیات بهره‌برداری و تولید را به‌عهده می‌گیرد.

کمیته مشترک مدیریت طرح در قراردادهای بیع متقابل می‌بایست هزینه‌ها، قراردادهای سفارشات، ساخت، نصب و... را حتماً تصویب کند تا پیمانکار خارجی بتواند فعالیت را پیش ببرد. در این کمیته مشترک، کارفرما نیز حضور دارد و می‌تواند نظارت کافی خود را بر نحوه هزینه‌سازی منابع و اجرای طرح و به عبارتی نظارت‌های مالی و فنی را از نزدیک اعمال کند.

منابع مالی سرمایه‌گذاری شده در طرح‌های بیع متقابل طبق توافق کارفرما و پیمانکار در یک دوره مشخص با احتساب هزینه و سود پیمانکار، از محل

فروش و درآمد حاصل از طرح، بازپرداخت می‌شود. به عبارت دیگر طرح‌های بیع متقابل هیچ تعهدی را برای بانک مرکزی یا دولت ایجاد نمی‌کند و وجوه سرمایه‌گذاری و سود سرمایه‌گذاری پیمانکار خارجی پس از تحویل طرح در دوره زمانی مورد توافق صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر مسئولیت کامل عملیات بهره‌برداری و تولید و نیز بازاریابی و فروش محصول تولیدی به عهده کارفرماست و لذا می‌توان توازن بازار بین‌المللی و حفاظت از قیمت فروش را به کنترل درآورد. معمولاً دوره بازپرداخت وجوه سرمایه و سود پیمانکار بین ۵ تا ۱۰ سال تعیین می‌شود که این مهلت خوبی برای بازپرداخت تعهدات طرح از محل فروش تولیدات است.

مزیت اصلی قراردادهای بیع متقابل در آن است که از زمان بهره‌برداری پیمانکار، هیچ حق و حقوق در طرح تولیدی از نظر مالکیتی ندارد و فقط سود سرمایه‌گذاری و وجوه سرمایه‌گذاری خود را در دوره مشخص دریافت خواهد کرد و اداره طرح تولیدی به‌طور کلی در اختیار طرف ایرانی است. با توجه به سهمی از فروش که برای پیمانکار منظور می‌گردد، چنانچه قیمت محصول تولیدی طرح در بازارهای بین‌المللی افزایش یابد، دوره دریافت سود و وجوه سرمایه‌گذار پیمانکار کوتاه‌تر خواهد شد. چنانچه قیمت محصول در بازارهای جهانی افت کند، از آنجا که کنترل بر بازاریابی و فروش به عهده طرف ایرانی است و فقط سهمی از فروش محصول به پیمانکار خارجی تعلق می‌گیرد، فقط دوره بازپرداخت وجوه سرمایه‌گذاری و سود طولانی‌تر می‌شود.

در این شرایط کارفرما با کنترل میزان فروش می‌تواند حق خود را در اداره بازار به‌خوبی به‌دست آورد. از دیگر

مزیت‌های قراردادهای بیع متقابل آن است که اولاً تضمین بانکی یا دولتی به شرکت خارجی طرف قرارداد داده نمی‌شود. ثانیاً طرف خارجی متعهد به اجرای طرح با استفاده از فن‌آوری روز است و لذا ملاحظات فنی و حفظ ذخایر (به‌ویژه در معادن) صورت می‌گیرد. ثالثاً قیمت‌گذاری محصول بر اساس بهای روز بازار می‌باشد و اگر تشکیکی در عملیات بازاریابی باشد، کارفرما خود می‌تواند برای محصول تولیدی طرح بازاریابی کند و سهم پیمانکار را به صورت نقدی بپردازد.

از آنجا که نرخ بازگشت سرمایه در قراردادهای بیع متقابل کمتر از ۱۷ درصد می‌باشد، به‌خوبی هزینه تأمین مالی (دریافت اعتبار با نرخ بهره‌ای بالاتر از لایبور)، حق‌الزحمه پیمانکار، ریسک‌پذیری زمان طولانی‌تر بازپرداخت وجوه سرمایه‌گذاری و سود سرمایه‌گذاری پیمانکار (در اثر افت قیمت محصول در بازارهای جهانی) و مدیریت و سود پیمانکار را پوشش می‌دهد و از لحاظ اقتصادی دارای توجیه است.

از سوی دیگر در قراردادهای بیع متقابل مرجع دادرسی در صورت بروز اختلاف، مرجع داوری بین‌المللی که قانون ایران بر آن حاکم است، می‌باشد.

در همین حال در طرح‌های بیع متقابل همواره بخشی از امور (معمولاً تا ۳۰ درصد) می‌بایست به پیمانکاران ایرانی سفارش داده شود که این موضوع در متن قرارداد می‌آید و به همین جهت استفاده از امکانات داخلی را میسر می‌سازد. این امر در ارتقاء دانش فنی نیروی کار نیز تأثیر مثبتی دارد.

با توجه به مزیت‌هایی که برای انعقاد قراردادهای بیع متقابل ذکر شد، متأسفانه تاکنون استفاده از این نوع قراردادها برای تأمین مالی طرح‌های صنعتی و معدنی کمتر مورد توجه بوده است. ضرورت

دارد که در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور، توجه جدی به تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری از طریق عقد قراردادهای بیع متقابل برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی به ویژه صنعت و معدن مبذول گردد.

### سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های غیرنفتی

دکتر مهدی نواب، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» اظهار داشت: ارزش سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده در بخش‌های غیرنفتی در سه سال اخیر به یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار رسیده است.

دکتر نواب گفت: سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذب شده در این مدت در طرح‌های کشاورزی و شیلات، صنایع غذایی، نساجی و چرم، سلولزی، شیمیایی، فلزی و غیرفلزی، الکترونیک، خودروسازی، هتل‌سازی و صنعت حمل و نقل بوده است.

وی تصریح کرد: سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذب شده در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به‌طور کامل صادرات‌گرا بوده است.

دکتر نواب گفت: سیاست ایران در زمینه پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر این اساس است که شرکت‌های سرمایه‌گذار لاقبل به میزانی صادرات داشته باشند که بتوانند نیازهای ارزی مبنی بر انتقالات ارزی خود را تأمین کنند.

وی درباره جذب منابع مالی خارجی در طرح‌های بیع متقابل توضیحی نداد.

